

یادداشت

تعطیل نکردن کارخانه‌های ناامن، جنایت در حق کارگران و جامعه است! صادق کار



گزارشات متعدد حاکی از ابتلای شمار نامعلومی از کارگران به ویروس کرونا و جان باختن عده‌ای از آنها است. وزیر صنعت و معدن دولت روحانی در ۱۲ فروردین در نامه‌ی هشدار آمیزی که خطاب به روحانی نوشت به کشته شدن تعدادی از کارگران واحدهای قطعه سازی در اثر کرونا اذعان نمود و نسبت به بازگشت آنان به محل های کارشان ابراز نگرانی و آنرا موجب گسترش ویروس کرونا اعلام کرد.

همچنین "سایت آفتاب نیوز" در ۱۵ فروردین نامه هشدار باش مشابه دیگری را که "سعید نمکی" وزیر بهداشت خطاب به روحانی نوشته بود منتشر کرد. وزیر بهداشت در این نامه نسبت به دستورالعمل "قائم مقام وزارت صنعت، معدن و تجارت که در آن خواستار "بازگشایی کلیه مشاغل و مراکز کسب و کار" در همه استانها شده بود و با از سرگیری فعالیت در آنها مخالفت و برای جلوگیری از آن دست به دامن روحانی شده است. این در حالی است که خود روحانی طی هفته های گذشته با اظهارات ضد و نقیض و دروغ های عجیب و غریب اش به سر درگمی ها دامن زده و نه مردم و نه هیچ مسئولی نمی داند که باید کدام یک از دستورات رئیس دولت را جدی بگیرند. به همین جهت شاهد نوعی بلبشو در میان وزرا و مدیران ارشد و تعمیم آن به میان جامعه هستیم که این خود موجب افزایش شیوع کرونا و قربانیان آن شده است. یکی از عوامل اصلی جدی گرفته نشدن خطر ویروس کرونا توسط مردم در تعطیلات نوروز که به گسترش شیوع آن کمک کرد، بی شک ناشی از بی اعتمادی بزرگی است که نسبت به مسئولان حکومتی و بی باوری به دستورات آنها در میان مردم بوجود آمده است. در برخورد با کارگران نیز رفتار دولت متناقض و تبعیض آمیز و بی توجه به جان و سلامتی کارگران است. از یک سو می خواهد کارگران مزدی و دستفروشان را بدون اینکه تدبیری برای تامین هزینه های زندگی شان بیندیشید به خانه هایشان بفرستد و از سوی دیگر کارگران شاغل در



واحدهای تولیدی را که در شرایط غیر بهداشتی و ناامن کار می کنند به رغم کشته شدن عدهای از آنان سر کار نگه دارد! هم از این رو نه تنها نمی تواند از گسترش ویروس جلوگیری کند بلکه به گسترش آن کمک می کند. مبارزه موثر با کرونا بدون تامین معیشت بیکاران و کودکان کار و خیابانی و سایر نیازمندان و تهی دستان ره بجایی نخواهد برد. علل رفتار های متناقض دولت و حکومت در برخورد با کرونا و ناکامی آنها بخاطر آن است که آنها با وجود اجباری که کرونا برایشان بوجود آورده نمی خواهند تن به این واقعیت دهند. و کرونا را هم نمی توانند با گسیل ماموران امنیتی به مصاف آن و محاکمه در بیدادگاه هایشان مانند مردم محکوم و زندانی کنند!

خبرگزاری (ایلنا) نیز در ۱۵ فروردین نامه جمعی از کارگران کارخانه های قطعه سازی به روحانی را که نگران به مخاطره افتادن سلامتی شان در صورت بازگشت بکار هستند را منتشر نمود. گزارشات متعدد دیگری نیز طی هفته های اخیر منتشر شده اند که از کشته شدن کارگران در اثر ابتلا به کرونا و ناامن بودن محل های کار حکایت می کنند.

این نگرانی ها البته به جا و به حق هستند و هیچکس نبایستی از کارگران توقع داشته باشد به رغم وجود خطراتی که در محل های نا امن و غیر بهداشتی کار سلامتی شان را تهدید می کند و گواه آن کشته شدن عدهای از همکارانشان است سرکار بروند و نگران سلامتی خودشان نباشند. مسئولین دولتی و کارفرمایان اگر هنوز ذره ای از انسانیت و انصاف در وجودش باقی مانده بود و برای جان انسانهای که آنها را به قدرت و ثروت رسانده اند اندکی ارزش قائل بودند، بایستی به محض شیوع کرونا در میان کارگران کارخانه ها را تعطیل می کردند و با فرستادن کارگران مبتلا به ویروس به مراکز درمانی سعی می کردند آنها را از مرگ نجات دهند. و مانع از مبتلا شدن زن و بچه ها و بستگان آنها می شدند.

در بسیاری از کشورها که برای جان انسانها ارزش قائل هستند هم اکنون یا اکثر واحدهای تولیدی را که تولیدات شان خیلی ضروری نیستند تعطیل کرده اند و کارگرانشان را به خانه فرستاده اند و یا محیط کارخانه ها را از لحاظ بهداشتی آماده و وسایل حفاظتی جلوگیری از بیماری را در اختیار کارگرانشان قرار داده و بطور مرتب از آنهايي که کار می کنند به محض مشاهده علائم اولیه بیماری تحت مراقبت های پزشکی قرار می دهند و معالجه شان می کنند.

در ایران تحت سیطره رژیم جمهوری اسلامی اما هیچ یک از این مسائل رعایت نمی شوند و این واقعیت آنقدر مشخص و محرز است که خیلی وقت ها مسئولین دولتی نیز قادر به پنهان کردن آن از مردم نیستند. آمار حوادث کار و شمار کسانی که در اثر حوادث کار کشته و معلول شده اند طی سه دهه گذشته تقریباً هر ساله بیشتر شده اند و تا کنون هم هیچ تلاشی از طرف وزارتخانه های متصدی امور و کارفرمایان برای ایمن سازی و بهداشتی کردن کارگاه و کارخانه ها که شرط اساسی برای کاهش حوادث شغلی است انجام نداده اند که اگر داده بودن سال به سال محل های کار نا امن تر و خطرناکتر نمی شدند. این خیلی طبیعی است که در محیط های نا امن کاری با آمدن یک اپیدمی مثل کرونا عده زیادی از کارگران و کارکنان آنها مبتلا و جان ببازند. آیا باز نگاه داشتن کارخانه هایی که در آنها به دلیل بهداشتی نبودن محیط کار هر روزه عدهای بیمار و کشته شوند و بیماری را به میان خانواده ها و همسایه ها و شهرشان منتقل کنند، چیزی غیر از جنایت و کمک به اشاعه ویروس است؟ آیا نباید عوامل این جنایات محاکمه و به مجازات اعمال شان برسند؟ کارخانه ها باید، تا رفع کلیه خطراتی که جان کارگران و کارکنان شان را تهدید می کنند، تعطیل شوند و به کارگران شان تا هنگام بازگشت به کار حقوق بیکاری پرداخت شود. کارگران باید اینها را طلب کنند و به نحوی که به گسترش ویروس کرونا منجر نشود برای آن مبارزه کنند.

کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!

طرح کلی تاریخ کار - بخش هفتم یان لوکاسن، انستیتو بین المللی تاریخ اجتماعی



از بقایای معبد کارینداس در ورکاء، موزه پرگامون در منتهی الیه غرب ترکیه

جابجایی ها در مناسبات کار چگونه رخ می دهند؟

اگر از منظر دخیل بودن کارگران نگاه کنیم، جابجایی های بزرگ در مناسبات کار – چنان که تا کنون تحقیق شده اند – به دو طریق رخ نموده اند: ۱- در اثر فشار از بیرون، ۲- به ابتکار خود کارگران. برای اختصار من این دو طریق جابجایی را به ترتیب [جابجایی] عمودی و افقی می نامم.

در حالت عمودی، جابجایی های با فشار در مناسبات کار در درجه اول ناظر بر به بردگی گرفتن انسانی اند که پیشتر به کار متقابل، خویش فرمائی یا کار دستمزدی اشتغال داشته اند. وقتی این کسان به اسارت جنگی در می آمدند، در بازار بردگان به فروش گذاشته می شدند. از دوران کلاسیک کهن به بعد ده ها میلیون انسان به این سرنوشت گرفتار آمدند: از جمله "بردگان" اروپائی و نیز اهالی افریقای سیاه که به کار اجباری در خاورمیانه، کشورهای امریکا یا در خود افریقا مجبور می شدند.

به طریق مشابه لغو بردگی نیز در اساس با زور به وقوع پیوست. مثلاً سرفها و بردگان در جریان انقلاب هائیتی به یک "چرخش قلم"، در روسیه در سال در اثر رهائی سرفها در ۱۸۶۱ از اسارت زمین، در ایالات متحده پس از جنگ داخلی، و در برزیل در سال ۱۸۸۸ آزاد شدند. در برخی کشورهای دیگر، مثل روسیه شوروی و همپیمانان آن، در چین، کره شمالی و شاید به افراطی ترین شکل در کامبوج، کار دستمزدی برای کارفرمایان خصوصی به نفع شرکت های دولتی و تجربیات تعاونی، لغو شد. گذشته از این موارد، مناسبات کار می توانند به دستور قانون جزا اعمال شوند، مثلاً در انگلستان (که در قانون جزای مستعمره آن، استرالیا، به اوج رسید)، در روسیه (نسبت به زندانیان سبیری در دوره تزار و شوروی)، در آلمان در دوره حاکمیت نازیسم، و در چین (در جریان انقلاب فرهنگی). این مثالها نشان می دهند که سیستم مناسبات کار تا همین اواخر منظمأً به زور تغییر می یافته است: تغییر گاه مثبت و گاه منفی.

البته، می توان گفت که این جابجایی های عمودی به کفایت تحقیق شده اند. اما تغییرات افقی – یعنی تغییراتی که نه به زور دولت بلکه به تدریج و در نتیجه تصمیمات افراد بی شماری رخ داده اند – تا کنون مورد توجه کم مورخان قرار



گرفته اند. مورد کلاسیک این روند انسانهایی را دربرمی گیرد، که سرانجام به ترک مزرعه یا کارگاه کوچک شان تن دادند و به کار در کارخانه، در محل زندگی شان یا در فراسوی دریاها رو آوردند (در حالت اخیر مهاجرت، موجب ترکیبی از تحرک جغرافیائی و حرفه ای شد).

یکی از جالبترین یافته های "همکاری بین المللی در تحقیق مناسبات کار" این است که این نوع جابجائی ها بسیار به تدریج و نه به ناگهان رخ داده اند. در تاریخ مهاجرت این پدیده "مهاجرت گام به گام" شناخته شده است. مثلاً فرزندی در جای دیگری، جز آنجا که پدرش کار می کرده است، به کار می پردازد و سپس موفق می شود خواهر و دیگر بستگان اش را به نزد خود بیاورد؛ یا کارگری که اول از روستا به شهر کوچک نزدیک، و سپس به شهری بزرگ در دورست می کوچد. "همکاری بین المللی..." موارد متعددی را کشف کرده است که در آنها منابع درآمد مختلف موجب مناسبات کار مرکب شده و شکل مسلط مناسبات کار تدریجاً در طول عمر کارگر و فرزندانش تغییر کرده بوده اند. یک نمونه خوب از این روند را سرواژ در روسیه به تاریخ عرضه کرده است. آزادی حرکت دهقانان روسی در قرون ۱۶ و ۱۷ بیش از پیش محدود شده بود. آنان، جدا از کار لازم برای حفظ حیات خود، مجبور بودند انجام خدماتی را برای اشرافیت زمیندار به عهده گیرند. در قرن ۱۸ برخی از آنان این امکان را یافتند که فصلی از سال را در صنایع مستقر در شهرها کار کنند. وقتی سرواژ لغو شد (۱۸۶۱)، مدتها بود که بسیاری از سرف ها بخش قابل توجهی از درآمد شان را با کار دستمزدی کسب می کردند. متعاقباً و با انجام تقسیم اراضی، آنان دوباره و بیشتر از پیش شان به زمین وابسته شدند، اما روند کار در صنایع شهری و مهاجرت کار در بسیاری از مناطق روسیه روندی قطعی و رو به رشد بود. از این قرار الگوی تغییر در این مورد، جابجائی از کار مقدماتاً مستقل، به ترکیبی از کار مستقل و سرواژ، و از این به ترکیبی از سرواژ و کار دستمزدی، و سرانجام فقط کار دستمزدی بود.

کار مهاجران، یا مهاجرت کار، از زاویه نقش منابع مختلف درآمد در ایجاد مناسبات کار مرکب، مورد به ویژه جالبی است. چنین ترکیبی حتی در جوامع کهن نیز مستند شده است. یک لوح استوانه ای متعلق به حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد که در ورکاء (Uruk: از شهرهای سومر و سپس بابل، در عراق امروز) کشف شده، نمونه بارزی از مناسبات کار مرکب در یک بازار کار آزاد را ترسیم می کند. این لوح، حاوی گله گذاری پیمانکاری است که برای انجام قرارداد خود برای کار روی زمینهای متعلق به یک معبد نمی تواند نیروی کار لازم را فراهم آورد زیرا "فصل برداشت است و همه مشغول برداشت محصول خویش اند": نمونه ای از ترکیب کار مستقل و کار دستمزدی فصلی. لوح این را نیز بیان می کند که معبد اتفاقاً بردگانی را هم در خدمت داشت، اما "نه چندان که باید، زیرا بردگان شوق کار ندارند و تا ممکن شود، دست به فرار می زنند".



مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را تشدید کنیم!



اشتغال در اقتصاد سبز - بخش ۹ بیانیه کنگره جهانی اتحادیه ها ITUC درباره تغییرات اقلیمی گودرز اقتداری

**ITUC Frontlines Briefing Climate
Justice: COP 24 Special Edition**

**خواست های بنیادین
اتحادیه ها از COP24**



**1
اشتقاق برای
گذار عادلانه را
بالا ببرید!**

اتحادیه ها خواستار کار مناسب در یک دنیای قابل زیست هستند. ایجاد اعتماد از طریق تضمین اقدام دولتها برای گذار عادلانه میتواند اشتقاق برای پیشگیری از الانبده ها را بالا خواهد برد. این اصول باید در این نامه ها، و دستورالعمل های ضمیمه به توافق پاریس منعکس گردد

**2
به بیانیه سلیسیا
برای "همبستگی و
گذار عادلانه"
پیوندید!**

دولت ها باید به تعهدات دولت لهستان تحت عنوان "بیانیه سلیسیا" پیوندند و از گذار عادلانه برای کارگران و ایجاد کار مناسب و اشتغال با کیفیت حمایت کنند.

**3
تعهد به تامین مالی
توسعه بدون کربن و
حمایت از افراد
آسیب پذیر!**

سرمایه گذاری مناسب و کافی سنگ بنای یک سیاست مؤثر در تغییرات اقلیمی است. برای گذار به جهانی کم کربن در شمال و گذار جنوب به راهکار توسعه با کاهش مصرف کربن در جنوب. دولتها باید به قول خود برای تامین 100 بلیون دلار در سال تا سال 2020 وفادار باشند.

نپرداختن به چالش های اقلیمی و محیط زیست در COP24 بشریت را با خطر نابودی روبرو خواهد کرد.

پیش درآمد

سال ۲۰۱۸ در تاریخ به عنوان سالی شناخته خواهد شد که خطرات زیست محیطی و چالش گرمایش زمین به نیمکره شمالی هم رسید. در حالی که کارگران و خانواده آنها سالها بود با این خطرات و اثرات مخرب آن از جمله خشکسالی، آتش سوزی جنگل ها، سیلاب و طوفانهای مرگبار در آفریقا و آسیا روبرو بودند، این سال چالش ها به اروپا، ژاپن، کره، کانادا و آمریکا هم رسید و منجر به مرگ عده ای در ژاپن، کره جنوبی و یونان شد. کارگران در بخش ساختمان، ترابری و کشاورزی به علت کار در محیط بیرونی با خطر مرگ بیشتر روبرو بودند. محققین علوم بار دیگر زنگ اعلام خطر برای گرمایش زمین را به صدا در آورده اند. اعتقاد آنها بر این است که "آبشاری از یخ های ذوب شده، دریا های گرم تر شده، تغییر مسیر جریان های آب در اقیانوس ها، و جنگل های خشک شده سراسر کره زمین را به تنور گلخانه ای تبدیل می کنند که تلاش انسانی برای کاهش آلودگی هوا را هر چه بیشتر بی فایده و غیر مؤثر می سازد. خوشبختانه هنوز زیاد دیر نشده و تدابیری برای پایان سری گاز های گلخانه ای



موجود است، اما فرصت برای اجرا کمتر و کمتر می شود. ما باید این تدبیر ها برای تحول به روند های بازدارنده را هر چه سریعتر جدی بگیریم و به کار ببریم.

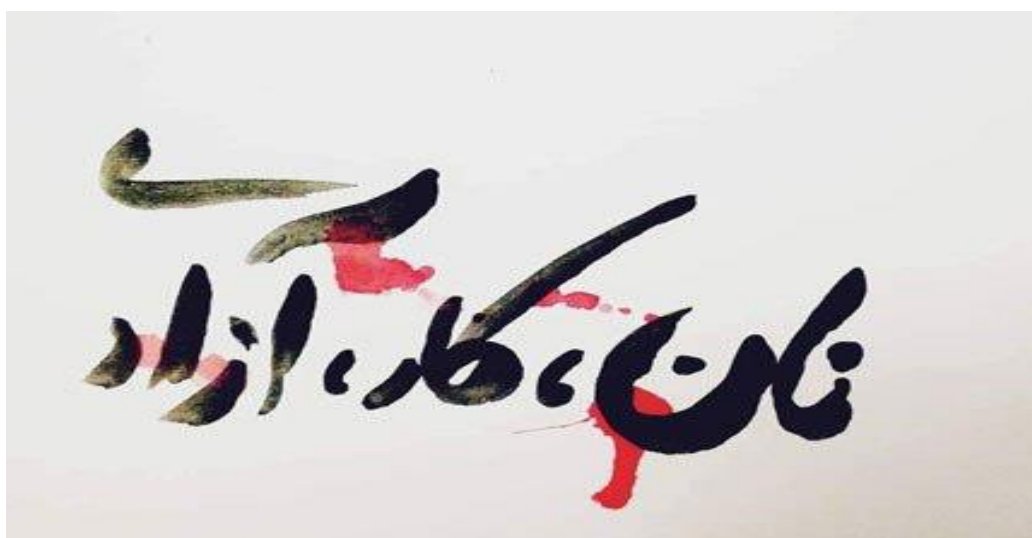
موافقتنامه پاریس اهداف اقلیمی را تدوین کرده است؛ "کنترل افزایش گرمای زمین در زیر ۲ درجه بالای حد قبل از صنعتی شدن جهان و ادامه تلاش برای کاهش آن به ۱,۵ درجه." گزارش ویژه IPCC (پانل بین دولتی در تغییرات اقلیمی) درباره حد ۱,۵ درجه توصیه می کند که سطح آلودگی هوا باید سریعاً به صفر مطلق برسد.

بنابراین COP24 (بیست و چهارمین کنفرانس طرفهای قرارداد اقلیمی) لازم است بر اساس تعبیه های موافقتنامه پاریس عمل کند. این مذاکرات بسیار حیاتی اجرای تعهدات پاریس را به ضرورت تبدیل کرده اند. از جمله این مقررات تمام اهداف و امیال رشد را با همبستگی جهانی برای حفظ محیط زیست هماهنگ و الزامی کرده است و دولت ها تعهد داده اند که آن را اجرا کنند و به آن احترام بگذارند و تعهدات به حقوق بشری و حق انسانی برای جمعیت های بومی، مشارکت توده ها، برابری جنسیتی، امنیت غذایی و گذار عادلانه را در اولویت قرار دهند.

کنفرانس COP 24 در کاتویچ، در منطقه سیلسیا، مرکز معادن ذغال سنگ لهستان، یک مکان نمادین برای تمام کارگران جهان بود تا ببینند دولت ها به تغییرات اقلیمی با چشمانی باز می نگرند و در مسئله گرمایش زمین جدی هستند. ما بر این باوریم که یک گذار عادلانه و کارکردی منصفانه کلید آرزوها و امیال سیاست های مبارزه با گرمایش زمین است. توجه به نیاز های زندگی کارگران، استاندارد های زندگی آنان، خانواده و تأمینات اجتماعی کارگران در رسیدن به این اهداف ضرورت دارد.

دولت ها می توانند با امضای تفاهم نامه "همبستگی و گذار عادلانه سیلسیا" تعهد خود را به این بیانیه اعلام کنند. اتحادیه ها و جنبش های سندیکایی نیز در تبیین این بیانیه با دولت لهستان همکاری کردند. ما باید از دولت ها بخواهیم به این تفاهم نامه بپیوندند، از این راه حس اطمینان و اعتماد به گفتمان اجتماعی را تقویت نمایند و تضمین کنند که هیچ کس را پشت سر تنها نخواهند گذاشت.

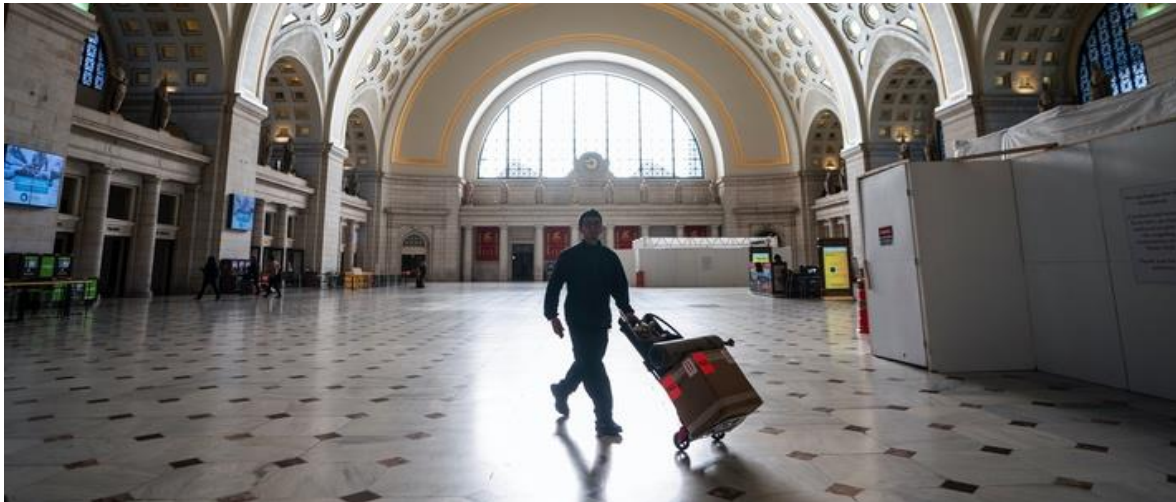
برخی دولتها، شهرها، و صنایع برای چالش های پیش رو درباره تغییرات اقلیمی به پا خواسته اند و حول گذار عادلانه همکاری می کنند، اما این کافی نیست. به طور مساوی تعهدات مالی که این اقدامات را عملی می سازد همراه با برنامه ریزی و کاهش آلاینده ها و کمک رسانی به کشورهای در حال توسعه و ملل آسیب پذیر ضرورت دارد. برای این هدف ما همه با هم باید تلاش کنیم.



دولت موظف است هزینه‌ی زندگی بیکارشدگان بر اثر کرونا را تامین کند!



نگرانی کارمندان فدرال از عدم حفاظت ادارات شان در اپیدمی کووید ۱۹ اریک کاتز ترجمه: زرین مرتضاییان



سیستم کار از راه دور (telework) کاخ سفید به آنهایی که کامپیوتر ندارند کمکی نمی کند یا تقریباً ۸۵ درصد کارمندان فدرال خارج از واشنگتن دی سی را پوشش نمی دهد. کارمندان فدرال بسیار نگرانند که مسئولین ادارات برای مصونیت آنها در برابر ویروس کرونا هیچ گونه حمایتی را انجام نمی دهند. از دوشنبه ۱۶ مارس ۲۰۲۰ بزرگترین سیستم حمل و نقل مسافربری پایتخت در شلوغ ترین ساعت صبح تقریباً خالی است و تمام کارمندان و کارگران بخش خصوصی و دولتی بخاطر گسترش ویروس کرونا در خانه مانده اند.

کارمندان فدرال که در خط مقدم مبارزه علیه گسترش ویروس کرونا هستند هشدار می دهند که مراکز مربوطه به اندازه کافی از آنها محافظت نمی کنند و خواستار افزایش اقدامات عملی هستند.

هنگامی که دولت ترامپ حداکثر انعطاف برای کار از راه دور (تله ورک) را برای کارمندان در منطقه واشنگتن دی سی ایجاد کرده است، در حدود ۸۵ درصد از نیروی کار فدرال که در سراسر کشور پراکنده اند، نمی دانند که چرا تحت پوشش قرار نگرفته اند.

این در حالی ست که بسیاری از کارمندان بنا به مقتضای شغلی شان مستقیماً در معرض ابتلا به ویروس کرونا هستند و باید حتماً بطور روزانه آنرا گزارش کنند. این در شرایطی ست که نه ابزار مناسب در اختیار دارند و نه راهنمای ایمنی دریافت کرده اند.

کارمندان بخش ایمنی حمل و نقل، انستیتوی ملی بهداشت، وزارت دفاع و اداره پست مبتلا به ویروس شده اند.

اتحادیه ملی کارمندان خزانه داری (National Treasury Employees Union) روز دوشنبه از دولت فدرال درخواست کرد تمام ساختمان های فدرال در کل کشور که بیش از ۵۰ کارمند دارند را تعطیل کنند و توصیه مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها این است که به تمام گردهمایی های بزرگ پایان داده شود. رئیس اتحادیه ملی کارمندان خزانه داری آقای تونی رادون گفت که این مراکز شیفتر کار از راه دور (تله ورک) را در بعضی از مناطق محدود می کند که به سادگی می توان فهمید این کار برای تامین ایمنی عمومی و کارگران کافی نمی باشد.

آقای "تونی رادون" در ادامه افزود نیمی از توصیه های ارائه شده کافی نمی باشند زیرا که بسیاری از کارکنان دولتی تمام وقت یا نزدیک به تمام وقت در ادارات کار می کنند.

بنا به توصیه "مرکز کنترل بیماری" (Center for Disease control)، بسته شدن ادارات، گردهمایی های بزرگ را



متوقف می کند اما اجازه می دهد که کار از راه دور (تله ورک) تداوم یابد و همچنین امکان غیبت به علت حوادث و دوری از خطر - برعکس غیبت به دلایل شخصی- برای آنهایی که نمی توانند از راه دور (تله ورک) کار کنند را فراهم می کند.

آقای "تونی رادون" همچنین گفت که این مراکز باید کار از راه دور (تله ورک) را برای تعداد بیشتری از کارگران فراهم کنند. و همچنین امکان مرخصی اداری برای کارگرانی که بچه هایشان بخاطر بسته شدن مدارس در خانه مانده اند یا در قرنطینه هستند را فراهم کنند. و دولت باید امکان انجام تست کرونا را برای کارگران فدرال بطور رایگان در صورت توصیه پزشک فراهم کند. فدراسیون کارمندان دولت آمریکا نیز راهنمایی های مربوط به کار از راه دور (تله ورک) توسط کاخ سفید را ناکافی خواند.

شورای مدیریت ریاست جمهوری صبح دوشنبه برای سراسر کشور تصمیمات اتخاذ شده مبنی بر حداکثر انعطاف پذیری برای کار از راه دور (تله ورک)، در هر کجا که شیوع بیماری گسترش یافته را توصیه می کند.

کاخ سفید به مسئولان منطقه ای ادارات فدرال که شیوع کرونا در آنجا زیاد است دستورالعمل های مشابه ای را صادر کرد که شامل کارگران قراردادی نیز می باشد. استفاده از مقامات برای اعمال فشار برای آنهایی که بطور موقت کار می کنند با پیشنهاد پرداخت حقوق در صورت ترک محل کار و آنهایی که توان انجام کار از راه دور (تله ورک) را ندارند و یا در معرض ابتلا به ویروس هستند. همچنین به این مراکز پیشنهاد می کنند که اقدامات عملیاتی و برنامه های کاری را کاهش دهند.

سخنگوی دفتر مدیریت و بودجه گفت مهم اینست که این مراکز حداکثر انعطاف پذیری را برای کار از راه دور (تله ورک) برای کارمندان فدرال فراهم کنند و در عین حال وظایف مهم را برای خدمت به مردم آمریکا انجام دهند.

کارمندان در معرض خطر

چندین گروه از کارمندان به نمایندگی از کارگران "دپارتمان امور کهنه سربازان"، در یک بیانیه مشترک، تاسف عمیق خود را از عدم تدارکات لازم اداره بهداشت و درمان برای شیوع ویروس کرونا اعلام کردند. این نمایندگان معتقدند که تجهیزات، امکانات، تسهیلات و تعداد کارکنان در این زمینه کافی نیست و این اداره از برقراری ارتباط با اتحادیه کارگری امتناع می کند.

خانم "ایرما وست مورلند" معاون اتحادیه ملی پرستاران گفت که "دپارتمان امور کهنه سربازان" باید تجهیزات و مراقبت های بهداشتی لازم را برای کارکنان مراقبت های بهداشتی فراهم کند، بطوری که کاملاً سر و گردن و بدن آنها را بپوشاند (حتی اگر این تجهیزات گران و یا نیاز به آموزش داشته باشد). خانم وست مورلند گفت: "اگر پرستاران و کارگران مراقبت های بهداشتی محافظت نشوند به این معناست که سربازان بیمار ما، خانواده های آنها و در مقیاس بزرگتر کل جامعه ما محافظت نمی شود".

این گروه ها از "دپارتمان امور کهنه سربازان" درخواست کردند که بطور کامل، اساس پروتکل را رعایت کنند و تا هنگامی که بی خطر بودن آن، بطور علمی اثبات نشده است آن را اجرا نکنند. اطلاعات دریافتی را به اشتراک بگذارند و با اتحادیه ها ارتباط برقرار کنند و بهترین تجهیزات و آموزش استفاده از آن را تدارک ببینند و برای هجوم بیماران کووید ۱۹ برنامه داشته باشند و همه کارگرانی که با این بیماران در تماس بوده اند را بطور مناسب تحت مراقبت قرار دهند. "دپارتمان امور کهنه سربازان" تاکنون ۵ مورد مبتلا به کووید ۱۹ و ۲۵ نفر مشکوک و یک مورد مرگ را تایید کرده است. این اداره تاکنون حدود ۱۰۰ آزمایش انجام داده و آنرا اقداماتی موثر برای حفاظت از بیماران و کارمندان نامیده است که شامل لغو دیدار از محل سکونت پرستاران و مراکز مجروحان نخاعی، افزایش غربالگری کارمندان و تشویق آنها به استفاده از گزینه های ارتباط از طریق برنامه های آنلاین.

"اورت کلی" رییس فدراسیون کارمندان دولتی ایالات متحده گفت که اعضای ما در "دپارتمان امور کهنه سربازان" دکترها و پرستاران و کارکنان بخش بهداشتی در خط مقدم هستند که زندگانی خود را وقف مراقبت از سربازان بیمار و تمام جامعه کرده اند. وی گفت وقت آن رسیده است که "دپارتمان امور کهنه سربازان" با اعضای ما به مذاکره بنشینند و با کمک هم برای حفظ سلامت کارمندان و جامعه به یکدیگر کمک کنیم.

دولت ترامپ همچنین با کارمندان مراقبت های هوایی و کارمندان سرویس های "اداره امنیت حمل و نقل" (Transportation Security Administration) که به توصیه مرکز پیشگیری از کنترل و جلوگیری از بیماری ها



خواستار ماسک ان ۹۵ شده بودند نیز درگیر شده است.

"اداره امنیت حمل و نقل" از دسترس قرار دادن ماسک ها خودداری کرد و در عوض پیشنهاد ماسک های جراحی سنتی را ارائه داد. حداقل سه کارمند این اداره به ویروس کرونا آلوده شده اند. کارشناسان ایمنی حمل و نقل هوایی، اتحادیه ای که نماینده کارکنان حمل و نقل هوایی فدرال است، میگوید درخواستهای آنها برای کسب اطلاعات بیشتر به سرپرست اداره مذکور آقای "استیو دیکسون" بی پاسخ مانده است.

"مایک پران" رئیس اتحادیه گفت اگر این مراکز برنامه های احتمالی خود را با اتحادیه به اشتراک نگذارند آنها قادر نخواهند بود که برای محافظت از کارمندان شفاف و فعال عمل کنند و این موضوع برای موفقیت در این بحران جهانی مشکل ساز می باشد.

"اداره هواپیمایی حمل و نقل فدرال" اعلام کرد که برای آنها سلامتی و محافظت از کارمندان در درجه اول اهمیت قرار دارد. و این مراکز باید اطلاعات تازه را از طریق صفحه اینترنتی و تیم پشتیبانی در اختیار آنان قرار دهند. تعداد کمی از ادارات مانند ادارات امنیتی و کمیسیون بورس و اوراق بهادار، کار از راه دور (تله ورک) را اجباری کرده اند و برخی از بخش های ایالتی برنامه های چرخشی را جایگزین کرده و سیستم حمایتی امتیاز دادن کار از راه دور (تله ورک) را ایجاد کرده اند.

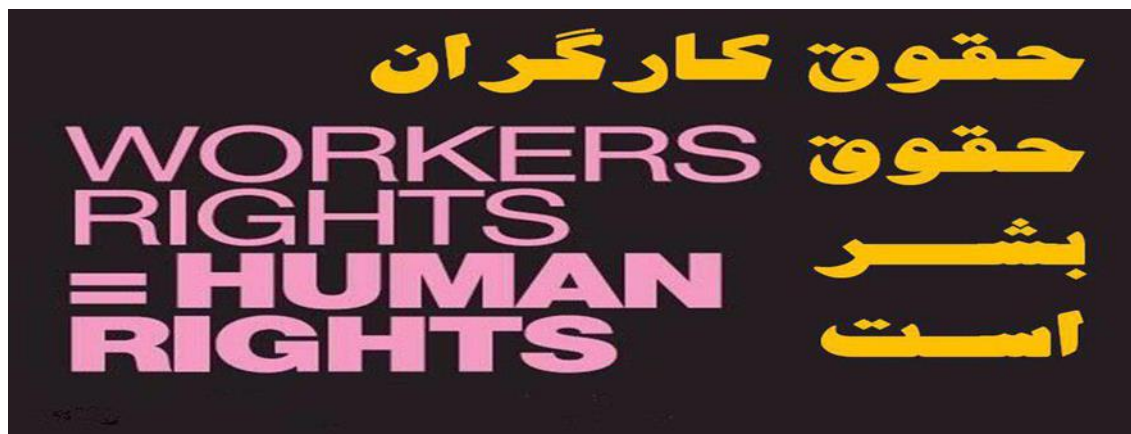
"دپارتمان امور کهنه سربازان" اقدامات منفی علیه کارمندان را به چالش نکشیده است. در عوض انتظار می رود که پرونده ها را یک به یک از طریق دادرسی از راه دور بررسی کند. از طرف دیگر شعبات دادگاه های اجرایی، اتحادیه انجمن های قضات از "سازمان تامین اجتماعی" خواسته اند که گام بی سابقه ای برای لغو دادرسی ها بردارند.

"سازمان تامین اجتماعی" تاکنون در مقابل کار از راه دور (تله ورک) مقاومت کرده است و همچنین درخواست شنیدن شکایت افراد از طریق راه دور را رد کرده است. "سازمان تامین اجتماعی" به همه کارمندان غیر قراردادی و آنهایی که در دادگاه ها کار می کنند توصیه کرد قبل از آنکه مدیرانشان آخر همین ماه آنها را بیکار کنند، کار از راه دور (تله ورک) را جایگزین کنند.

۱۶ مارس ۲۰۲۰

*مطلب به زبان انگلیسی:

<https://www.defenseone.com/threats/2020/03/federal-employees-worry-their-agencies-arent-keeping-them-safe-coronavirus/163827>



بیکاران صدقه نمی خواهند، کار، یا حقوق بیکاری می خواهند!



ترندهای تفرقه افکنان دولتی در میان مزدبگیران را با همبستگی خنثی کنیم! صادق



کارگزاران و برنامه ریزان اقتصادی دولت روحانی در اثر اعتراضات فشرده و به حق بازنشستگان نسبت به حقوق های ناچیز بازنشستگان یک گام به پس نهادند و بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بر حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری و کارکنان دولت افزودند.

این افزوده که قرار است از فرودین ماه سال جاری در فیش های حقوق بازنشستگان اعمال گردد، در واقع نظر به نرخ تورم و افزایش مداوم قیمت کالاهای ضروری در بهترین حالت در چند ماه اول سال تنها از بدتر شدن وضعیت معیشتی بازنشستگان جلوگیری می کند و بهبودی در سطح زندگی فقیرانه اکثریت آنها ایجاد نمی کند. هم از این رو بازنشستگانی که این افزایش شامل حال شان می شود نیز هنوز ناراضی اند و آنرا اندک می دانند.

از سوی دیگر در مورد بازنشستگان تأمین اجتماعی و کارگران به نظر می رسد مبلغی که می خواهند بر دستمزد و حقوق آنها بیفزایند حتی از این هم کمتر است و این خود به نگرانی کارگران و بازنشستگان مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی که دستمزد ها و حقوق بازنشستگی ۷۰ درصد شان هم اکنون زیر ۲ میلیون تومان در ماه است گردیده.

بلا تکلیف ماندن و تعلل در اعلام میزان افزایش دستمزد و حقوق کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی که معمولاً همه ساله پیش از پایان اسفند مشخص و اعلام می شد به نگران های آنها بیشتر دامن زده است.

کارگزاران اقتصادی دولت که طی ماه های متمادی با تظاهرات و تجمعات متحدانه بازنشستگان کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی به منظور افزایش دستمزد روبرو بودند ولی نمی خواستند به آن تن در دهند با یک ترفند مزورانه تصمیم گرفتند با افزودن اندکی بیشتر به حقوق بازنشستگان کشوری و کمتر به حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی هم از افزایش مناسب حقوق همه گروه های بازنشسته سرباز بزنند و هم در صفوف آنها که در حال فشرده شدن بود و از آن بیم داشتند و دارند شکاف ایجاد کنند. این در حالی است که حقوق هیچ کدام از این گروه ها بطور واقعی و متناسب با هزینه های زندگی افزایش داده نشده اند.



نباید از نظر دور داشت که دریافتی اکثریت بازنشستگان کشوری و لشگری پس از این به اصطلاح افزایش، از ۲ میلیون و هشت صد هزار تومان که کف حقوق تعیین شده توسط مسئولین دولتی است بالاتر نخواهد رفت و این افزایش در شرایطی ست که حداقل هزینه خانوار بین ۷ تا ۸ میلیون تومان در ماه توسط کارشناسان برآورد شده است. گرچه هنوز تکلیف افزایش دستمزد سالیانه کارگران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد ولی مجموعه اطلاعات موجود حاکی از آن اند، که مقامات دولتی و کارفرمایی در نظر دارند میزان افزایش دستمزد کارگران شاغل را نیز مانند بازنشستگان تامین اجتماعی کمتر از کارکنان دولت و بازنشستگان کشوری و لشگری افزایش دهند و حتی صحبت از فریز کردن دستمزد کارگران در میان است!

اگر قضایا به همین صورت پیش برود که احتمالش هم زیاد است، در آن حالت، کارگزاران و بودجه گذاران دولت با این ترفند نئولیبرالی مزورانه موفق شده‌اند هم هزینه افزایش حقوق و دستمزد یک گروه کم شمارتر از مزدبگیران و بازنشستگان را با کسر کردن از مزد گروه پرشمارتر که کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی هستند تامین کنند و هم بین کارگران و کارکنان دولت و بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی شکاف و اختلاف ایجاد کنند.

در این میان اما نمایندگان تشکلهای دولتی در شورای عالی کار که بواسطه وابستگی شان به دولت و آلوده شدن به فساد نتوانسته‌اند به رغم لاف و گزافه گویی های شان به وعده‌هایی که به کارگران داده‌اند عمل کنند، فریبکارانه می‌کوشند به جای یافتن راه کار و برخورد مناسب برای خنثی کردن این ترفند و دفاع از افزایش مناسب دستمزد برای همه گروه های مزد بگیر و بازنشسته با فرافکنی و دامن زدن به این تفرقه کاذب بر عجز و شکست خود سرپوش بگذارند و دانسته یا نادانسته گروه های مزدبگیر را بجای مقابله با این ترفند، رودروی هم قرار دهند و به تفرقه میان جنبش مزدبگیران که خواست دولتمردان است دامن بزنند!

امثال حسن صادقی ها که ده‌ها سال است به واسطه وابستگی شان به قدرت بر مسند تشکلهای بی خاصیت و ضد کارگری نشسته‌اند و مشغول تفرقه افکنی هستند، باید بدانند که اگر طراحان و مجریان دولت روحانی با زحمتکشان چنین رفتار می‌کنند، علنش را بایستی در عملکرد خود و روسای دیگر تشکلهای قلابی دولتی جستجو کنند. اگر دولت اندکی نسبت به افزایش دستمزد و حقوق کارکنان و بازنشستگان انعطاف نشان داده، این انعطاف نتیجه فعالیت های تشکلهای مستقل، معلمان و بازنشستگان است که توانسته‌اند با جلب اعتماد اعضای شان ده‌ها تجمع و تظاهرات خیابانی بر پا کنند و دولت را برای پذیرفتن بخشی از مطالبات به حق شان تحت فشار قرار دهند!

آری این است آن دلیل واقعی رفتار مزدی دولت با زحمتکشان. مگر غیر از این است که در آن هنگام که معلمان و بازنشستگان کشوری در حال مبارزه خیابانی بودند و رهبران شان دسته دسته روانه زندان می‌شدند، رهبران تشکل های دولتی با خیال آسوده مشغول ایجاد تفرقه در میان مزدبگیران و اعتصاب شکنی و دادن مشورت به وزیر صنعت و معدن و کار برای در هم شکستن اعتصابات بودند! حال با چنین سوابقی آیا نبایستی بازنشستگان تامین اجتماعی به غیر از نوبخت و شریعتمداری یخه حسن صادقی ها و امثال وی در شورای عالی کار را هم بگیرند بگیرند و از آنها بپرسند پس شما برای ما چه کردید؟

این برخوردها بار دیگر تفاوت تشکلهای مستقل سندیکایی با تشکلهای وابسته و بی خاصیت دولتی را در عمل برای آن دسته از زحمتکشان که هنوز نسبت به تشکلهای حکومتی متوهم بودند روشن کرد و به آنها باید آموخته باشد که بدون داشتن سندیکا و اتحادیه های مستقل کارآمد و مبارز نه تنها به هیچ یک از حق و حقوق شان نخواهند رسید بلکه سال به سال وضعیت شان پسرفت خواهد کرد. بازنشستگان تامین اجتماعی نیز لازم است مانند بازنشستگان کشوری برای دفاع از حق و حقوق شان و نجات از فقر و فلاکت فراینده خود را خارج از تشکلهای های وابسته به دولت مستقلانه متشکل کنند و برای دفاع موثرتر از حق و حقوق شان و بی اثر نمودن ترفندهای تفرقه افکنانه مقامات دولتی با تشکلهای بازنشستگان کشوری متحدانه مبارزه کنند!

با این تفرقه افکنی ها که نه تازگی دارد و نه آخرین مورد خواهد بود بایستی با همبستگی مقابله نمود!

فعالین محیط زیست را بدون قید و شرط آزاد کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



اعلام جان باختن شماری از کارگران کارخانه های قطعه سازی در اثر کرونا، اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی به بلاتکلیفی دستمزدی، رها کردن میلیونها کارگر محروم از درآمد، اعتراض کارگران نفت و گاز اروندان به رعایت نشدن نکات ایمنی و بهداشتی در شرکت، تجمع اعتراضی بیکاران در شیراز، اخراج ۱۱ کارگر به دلیل اعتراض به پرداخت نکردن مزایا در پارس جم، ادامه دخالت های ضد سندیکایی در وزارت کار مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده در این هفته بودند.

جان باختن شماری از کارگران قطعه سازی به دلیل رعایت نشدن قوانین بهداشتی و ایمنی
متأسفانه از آغاز شیوع کرونا تا کنون عده زیادی از کارگران کارخانه های قطعه سازی به ویروس کرونا آلوده و شماری از آنان نیز جان باخته‌اند. وزیر صنعت دولت روحانی که در پی اخطار تعدادی از مدیران کارخانه ها و مسئولین چند نهاد دولتی با نوشتن نامه‌ای نسبت به از سرگیری تولید و بازگشت بکار کارگران بعد از ۱۳ نوروز اظهار نگرانی و از روحانی کسب تکلیف کرده است اشاره‌ای به تعداد کارگران جان باخته و افراد مبتلا ننموده است. او علت را ویروس کرونا ذکر نموده و هیچ توضیحی در مورد نقش رعایت نشدن قوانین بهداشتی و ایمنی در واحدهای قطعه سازی ننموده است. ولی مگر چه عامل دیگری به غیر از فقدان شرایط ایمنی و بهداشتی در محیط های کار می تواند در این فجایع نقش داشته باشد. تردید نباید داشت که در سایر کارخانه ها هم عده زیادی از کارگران بایستی آلوده و جان باخته باشند. بی دلیل نیست که کارگران تعدادی از کارخانه ها نسبت به عدم رعایت نکات ایمنی در برخورد با ویروس کرونا در نقاط مختلف به اعتراض برخاسته اند!

اعتراض کارگران نفت و گاز در شرکت اروندان نسبت به رعایت نشدن قوانین بهداشتی
کارگران نفت و گاز شرکت اروندان در این هفته نسبت به رعایت نشدن قوانین بهداشتی و ایمنی در این شرکت



اعتراض و خواستار اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از آلوده شدن کارگران به ویروس کرونا شدند. کارگران نگران انتقال ویروس به میان خانواده هایشان و مردم شهر هستند. دولت و کارفرمایان به رغم این هشدارها و نگرانی ها نه کارگران را تعطیل می کنند و نه محیط های کار را ایمن و بهداشتی می کنند. حتی هشدار وزیر صنعت هم به نظر می رسد برای تغییر رویکرد دولت در این خصوص نیز جدی گرفته نمی شود. در این اوضاع تنها تشکل های کارگری واقعی هستند که می توانند به یاری کارگران بیایند و دولت و کارفرمایان را وادار به رعایت اصول بهداشتی و ایمنی نمایند که از فعالیت آنها نیز جلوگیری می کنند.

هیچ کارگری آنهم در ایران که میلیونها نفر بیکارند و امنیت شغلی برای کارگر در شرایط عادی هم وجود ندارد، مایل نیست ریسک تعطیلی محل کارش را داوطلبانه بپذیرد، اما آن هنگام که پای جان در میان است وضعیت فرق می کند. دولت و کارفرمایان مکلف اند در شرایط کنونی از میان ایمن کردن محل های کار و دادن مرخصی با دستمزد یا حقوق بیکاری به کارگران یکی را برگزینند. در غیر این صورت مسئول مرگ هر کارگر در هنگام کار آنها هستند و دیر یا زود بایستی جوابگوی رفتار خود باشند!

ادامه اعتراضات بازنشستگان به بلاتکلیف ماندن افزایش حقوقشان

بازنشستگان عضو صندوق تامین اجتماعی نسبت به بلاتکلیف ماندن افزایش حقوق سال ۹۹ شان اعتراض دارند و نگران هستند که میزان افزایش حقوق بازنشستگی شان کمتر از بازنشستگان کشوری و لشکری در نظر گرفته شود. گفتنی است که افزایش دستمزد کارگران برای سال ۹۹ نیز هنوز نامشخص گذاشته شده و هیچ یک از وعده های داده شده از طرف مسئولین دولتی و نمایندگان تشکل های وابسته در شورای عالی کار به اجرا گذاشته نشده اند. همانطور که در هفته گذشته در همین صفحه نوشتیم، بازنشستگان تامین اجتماعی به نظر می رسد که بازندگان اصلی افزایش دستمزد باشند.

علت اصلی هم غارت سرمایه های تامین اجتماعی توسط دولت و طفره رفتن دولت از باز پرداخت بدهی های ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی خود به تامین اجتماعی است. یقین بدانیم که اگر این وضع ادامه پیدا کند، سال به سال حقوق های بازنشستگی و همچنین خدمات تامین اجتماعی کاهش خواهند یافت. راهکار در این است که بازنشستگان و شاغلان دست به هم بدهند و خودشان را در سندیکاهای واقعی متشکل نموده و به سیطره دولت بر صندوق تامین اجتماعی پایان دهند و کنترل این سازمان را از دست دولت و تشکل های فاسد و مزدور خارج و خود آن را به عهده بگیرند!

محروم ماندن ۳ میلیون کارگر روزمزد و خارج از شمول قانون کار از بیمه بیکاری!

گزارشات متعدد منتشر شده در رسانه ها حاکی از آن اند که میلیونها کارگر روزمزد که در اثر کرونا کارهای شان را از دست داده اند، تا کنون از حقوق بیکاری و کمک های معیشتی و عده داده شده محروم مانده اند و نمی دانند نان روزانه خانواده های شان را چگونه تامین کنند. حتی بسته های معیشتی ناچیز دولت که به زحمت کفاف بخور و نمیر یک هفته خانواده های محروم را می دهد هنوز به دست آنها نرسیده و تنها تعدادی بسته غذایی از طرف سازمان های خیریه بین عده قلیلی از خیل عظیم تهی دستان توزیع شده اند.

میلیونها نفر از این افراد رها شده به حال خود هرگاه بخاطر حرص و زیاده خواهی کارفرمایان و دولت های طرفدارشان از شمول قانون کار و تامین اجتماعی با زور و تهدید کنار گذاشته نشده بودند، حداقل این شانس را داشتند که در ازای پرداخت حق بیمه الان از حقوق بیکاری برخوردار باشند.

مسئولین گرسنگی و رنج این جمعیت بزرگ و محروم همان هایی هستند که با محروم کردن شان از شمول قانون کار این آینده تیره و تار را به خاطر کسب سود مضاعف برایشان رقم زدند. همان سازمانهایی به اصطلاح خیریه ای که در تحمیل این سرنوشت بر آنها نقش داشته و دارند و برای غارت و نابودی تامین اجتماعی سالها کوشش کردند، اینک



ریاکارانه با دادن صدقه با منت که مشتی از خروارها ثروتی است که از خود این افراد دزدیده‌اند، سعی می‌کنند خاک به چشم آنها بپاشند تا متوجه عوامل بدبختی و درماندگی این توده محروم و غارت شده نشوند!

به امید آنکه این تجربه دردناک اهمیت بهرمندی از حقوق کار و تامین اجتماعی را نزد قربانیان بی حق و حقوقی جلوه گر کند و به آنها آموخته باشد که دیگر تن به این نوع ستمگری ندهند و مبارزه برای کسب حق و حقوق به یغما برده شان را از همین حالا شروع کنند که فردا دیر است!

اخراج ۱۱ کارگر حق طلب بخاطر درخواست مزایایشان در پارس جم

۱۱ نفر از کارکنان حق طلب در مجتمع پارس جم به دلیل درخواست مزایای شغلی شان توسط کارفرما از کار اخراج شدند. انگیزه دیگر کارفرما از اخراج این ۱۱ نفر مجازات کسانی است که جرات مخالفت با ندادن حق و حقوق شان را می‌کنند. طلب حقوق و مزایا از کارفرما حق کارگر است و کارفرما از نظر قانونی نیز حق اخراج کارگر به این خاطر را ندارد. معهذا از آنجا که مملکت در اختیار مشتی سرمایه دار بی رحم و حریص است و قانون جنگل بر کشور حاکم است، سرمایه دار هر جور که می‌خواهد با کارگر رفتار می‌کند و خیالش آسوده است که کسی او را بخاطر رفتارش با کارگر مواخذه نمی‌کند. این نظم جهنمی صاحبان سرمایه را تنها در صورت متشکل شدن در اتحادیه‌ها و احزاب کارگری و مبارزات مستمر می‌توان بر هم زد و نظم عادلانه‌ای را بر جای آن نشاناد!

تجمع اعتراضی جمعی از بیکاران در شیراز

در ۱۲ فروردین جمعی از بیکاران شهر شیراز با برپایی تجمعی در دروازه کازرون این شهر نسبت به بیکاری خود اعتراض نمودند. شایان ذکر است که از میان ۶,۵ میلیون بیکار "که آمار آن توسط زنده یاد فریبرز رئیس دانا استاد اقتصاد استخراج شده است" دو برابر آمار رسمی است، کمتر از ۲۶۰ هزار نفر بنا به داده‌های مسئولین دولتی، تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند. بخشی از بودجه صندوق بیمه بیکاری نیز گفته می‌شود به امورات دیگر اختصاص یافته است.

تائید مدت اعتبار تشکل‌ها ربطی به وزارت کار ندارد!

بخش عمده‌ای از بودجه و فعالیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه در جمهوری اسلامی صرف مقابله با سندیکاها و تشکل‌های کارگری مستقل می‌شوند. این در حالی است که این وزارتخانه بایستی بر حسب یکی از وظایف اش بر حسن اجرای حقوق سندیکایی مطابق مقاوله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار صرفاً نظارت کند و نه بر عکس آن. اما این وزارت خانه خلاف مقاوله نامه‌ها که هر نوع دخالت و یا جلوگیری از تشکیل اتحادیه‌های کارگری را منع نموده عمل می‌کند و تا آنجا در این کار پیش رفته که حتی ظاهر کار را هم رعایت نمی‌کند و رسماً در رسانه‌ها آنرا هم اعلام می‌کند. بعنوان نمونه می‌توان به اعلام "تمدید اعتبار فعالیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی که مدت اعتبار آنها در فروردین و اردیبهشت ۹۹ به پایان می‌رسد" توسط "فرزاد یوسفی" اشاره کرد. منظور از تشکل‌های کارگری تشکل‌های زرد دولتی است وگرنه این وزارتخانه از اساس با تشکل‌های غیر دولتی همواره در ستیز بوده است و در سرکوب آنها البته با کمک همین تشکل‌های دولتی شرکت فعال داشته و دارد. همه امورات سندیکاها کارگری از جمله مدت اعتبار آنها توسط مجامع عمومی آنها تعیین و تصویب می‌شوند و هیچ ربطی به هیچ نهاد دولتی و کارفرمایی ندارد. مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی بایستی از دخالت در امورات سندیکاها دست بردارد و این همه مانع بر سر راه تشکیل و فعالیت‌های آنها ایجاد نکند.



*برای تماس با نشریه «جنگ کارگری» می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*«جنگ کارگری» نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می
توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



بیکاران و شاغلین متحد شوید تا از فقر و گرسنگی نجات پیدا کنید!